

www.ketab.ir

ذوق‌بی علم

نبرد فایرابند، وینکنشتاین و کرکور با علم زدگی
کتابخانه
نشر نکاه معاصر

ایان جیمز کید

ترجمه‌ی حسین حسینی

عنوان و نام پدیدآور	: زیوگری علم / ویراستاران جاناتان بیل، ایان جیمز کید؛ ترجمه‌ی حسین حسینی.
مشخصات نشر	: تهران، نگاه معاصر، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	: ۱۱۵ ص: ۲۱۵/۱۷۵ س.م.
فروش	: نگرش فلسفی.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۶۱۸۹-۴-۱۹-۴.
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا.
یادداشت	: عنوان اصلی: .Wittgenstein and scientism
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۱۱۱-۱۱۵.
موضوع	: ویتنگشتاین، لودویگ، ۱۸۸۹-۱۹۵۱م.
موضوع	: Wittgenstein, Ludwig
موضوع	: علم‌گرانی.
موضوع	: Scientism
شناسه افزوده	: بیل، جاناتان.
شناسه افزوده	: Beale, Jonathan
شناسه افزوده	: کید، ایان جیمز، ۱۹۸۳م.
شناسه افزوده	: Kidd, Ian James, 1983-
شناسه افزوده	: حسینی، حسین، ۱۳۶۳-، مترجم.
رده‌بندی کنگره	: B ۳۳۷۵
رده‌بندی دیوبیس	: ۱۹۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۷۳۶۹۴۶۱

زورگویی علم

نبرد فایرابند، ویتگنشتاین
و کرکگور با علم زدگی

نوشته‌ی

ایان جیمز کید

ترجمه‌ی

حسین حسینی

کلساهر

ناشر: نشر نگاه معاصر (وابسته به مؤسسه‌ی پژوهشی نگاه معاصر)

مدیر هنری: باسم الرسام

حروفچین و صفحه‌آرایی: حروفچینی کتاب (امداد سید کاظمی)

لیتوگرافی: نوید

چاپ و صحافی: پیکان

نوبت چاپ: یکم، ۱۳۹۹

شارگان: ۱۱۰۰

قیمت: ۲۲۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸_۶۲۲_۶۱۸۹_۱۹_۴

نشانی: تهران - مینی سیتی - شهرک محلاتی - فاز ۲ مخابرات - بلوک ۳۸ - واحد ۲ شرقی

تلفن: ۰۲۲۴۴۸۴۱۹ / پست الکترونیک: negahe.moaser94@gmail.com

■ nashr_negahemoaser

فهرست

۷	■ مقدمه‌ی مترجم
۸	۱. علم‌زدگی چیست
۹	۱.۱. علم‌زدگی و معنا
۱۲	۱.۲. علم‌زدگی و فرهنگ
۱۳	۱.۳. علم‌زدگی و انسان
۱۵	۲. فایرابند و علم‌زدگی
۱۷	۲.۱. فایرابند و پسامدرنیسم
۱۸	۲.۲. فایرابند و نسبی‌گرایی
۲۰	۲.۳. فایرابند و روایت‌های کلان
۲۲	۲.۴. فایرابند و بی‌بنیادی
۲۴	۳. کرک‌گور و علم‌زدگی
۲۶	۴. وینگشتاین و علم‌زدگی
۲۷	۴.۱. وینگشتاین و روح زمانه
۲۹	۴.۲. وینگشتاین و بینش فلسفی
۳۲	منابع
۳۷	۱. در جست‌وجوی حیرت ازدست‌رفته: وینگشتاین، فایرابند و علم‌زدگی

۲. تأثیرپذیری فایرابند از ویتنگشتاین	۳۹
۳. شیوه‌های زندگی و ارزیابی انتقادی	۴۴
۴. هستی و پس - زمینه	۵۰
۵. تبیین علی، ادعای گراف و زورگویی	۵۶
۶. نتیجه	۶۵
۷. پی‌نوشت‌ها	۶۶
منابع	۶۶

۱. نگاه بیرونی، انتزاع و شخص؛ تأثیر سورن کرکگور بر پل فایرابند	۶۹
۲. مقدمه	۷۰
۳. ارزش‌های فرا-فلسفی و سبک و سیاق فلسفی	۷۶
۴. کرکگور، هگل و نظام پردازی	۷۹
۵. تکثرگرایی فایرابند و فلسفه‌ی انسان‌دوستانه	۸۳
۶. فلسفه، علم و قابلیت انسان	۸۸
۷. زندگی انسانی و محدودیت‌های شناخت علمی	۹۱
۸. فلسفه، علم و اولویت شخص	۹۸
۹. فقری‌مایگی جهان‌بینی علمی	۱۰۱
۱۰. نتیجه‌گیری‌ها	۱۰۳
پی‌نوشت‌ها	۱۰۵
منابع	۱۱۱

مقدمه‌ی مترجم

یکی از مهم‌ترین فیلسوفان علم، که اخیراً بیشتر به او توجه می‌شود، پل فایرابند است. او را تاکنون به عنوان فلسفه‌ی ضد علم، به حاشیه رانده بودند، اما در بسیاری از آثار جدید، از جمله مقالات پیش‌روی نیسم که مخالفت او نه با علم، بلکه با علم‌زدگی^۱ بود. در این مقالات، نشان داده می‌شود که تفاوت علم با علم‌زدگی چیست و چرا فایرابند با علم‌زدگی مخالف بود. دیدگاه فلسفی فایرابند، بیش از همه، تحت تأثیر کرکگور و بتگشتاین بود و به همین مناسبت، نقدهای فلسفی این دو فیلسوف هم بر علم‌زدگی، بررسی می‌شود. سعی تویستنده‌ی این مقالات^۲ برآن است که چهره‌ی واقعی فایرابند را به دور از برچسب‌های نادرست و تفسیرهای ناروا نشان دهد؛ چهره‌ای که نه تسبیگ‌گر است و نه ضد علم. در واقع، فایرابند با سلطه‌گری آن نوع رویکرد علمی مخالف بود که همه چیز را به ماده‌ی بی‌جان و منفعل، فرمومی کاحد و عالم را بی‌اعتبار و آدم را بی‌اختیار می‌کند و جایی برای ابعاد دیگر فرهنگ انسانی، مانند اخلاق، هنر، دین، سنت و مانند این‌ها نمی‌گذارد. او به تعبیر خودش، در مقابل «зорگویی علم»^۳ ایستاد. برای شروع بحث، بهتر است ابتدا ببینیم که علم‌زدگی چیست و چه تفاوتی با جست‌وجوی علم و حقیقت دارد:

1. Scientism

۱. مقالاتی که در این کتاب آمده است نوشته‌ی ایان جیمز کید (Ian James Kidd) است که به طور تخصصی درباره‌ی پل فایرابند تحقیق می‌کند. بیشتر مطالب این مقدمه هم تلخیص مقالات او درباره‌ی فایرابند است.

3. Feyerabend, Paul (2011) *The Tyranny of Science*, edited by Eric Oberheim (Cambridge: Polity).

۱. علم‌زدگی چیست؟

علم‌زدگی، باوری است که شناخت علمی و فناوری حاصل از آن را دارای قدرت مطلق می‌داند و معتقد است که روش‌های علوم فیزیکی می‌تواند و می‌باید جایگزین روش‌های مورد استفاده در سایر رشته‌ها مانند فلسفه و به ویژه، علم مطالعه‌ی رفتار انسان و علوم اجتماعی گردد. سایمون بلکبرن^۱ در واژه‌نامه‌ی فلسفی آکسفورد، درباره‌ی علم‌زدگی می‌نویسد: «واژه‌ای بدنام برای اشاره به باوری است که روش‌های علوم طبیعی یا مقوله‌ها و امور شناخته شده در علوم طبیعی را، تنها مؤلفه‌ی مناسب برای هر نوع پژوهش فلسفی یا غیرفلسفی می‌داند». ^۲ جیمز ولموث^۳ هم در کتاب خود با عنوان طبیعت و سرچشممه‌های علم‌زدگی، در تعریف علم‌زدگی می‌نویسد: «این باور که علم... و روش علمی، ... تنها راه طبیعی و قابل اعتماد برای کسب معرفتی است که درباره‌ی هر چیز واقعی، قابل دستیابی است».^۴

علم‌زدگی به معنی سلطه‌هی نوعی از علم فروکاهش‌گر و مکانیکی است که همه چیز را به ماده‌ی بی‌جان و منفعل فرمودن کارد. در علم‌زدگی، شاهد فروکاهش‌گری و نگاه ماشین‌وار و ابزاری به طبیعت و انسان هستیم. تنها نوع شناختی که در علم‌زدگی، معتبر و ارزش‌مند به شمار می‌آید، علوم طبیعی مانند فیزیک و شیمی است؛ به طوری که این علوم، بر همه‌ی ابعاد زندگی انسان، سلطه می‌باید. ^۵ علم‌زدگی دست‌کم، چهار ویژگی دارد:

۱. تنها معرفت موجه و قابل قبول را معرفت علمی می‌داند هر چیز دیگری که با روش علمی اثبات نشده است، یا بی‌معنا می‌داند یا صرفاً احساس و نظری شخصی می‌شمارد.

۲. در نگاه علم‌زده، روش علمی نه تنها در علم باید جازی و ساری باشد، بلکه همه‌ی امور و علوم دیگر از جمله علوم انسانی را هم باید دربر بگیرد. حتی هنر هم، اگر

1. Simon Blackburn

2. Blackburn, Simon, 1994. *The Oxford Dictionary of Philosophy*. Oxford: Oxford University Press. p. 344. 3. James Wellmuth

4. Wellmuth, John James, 1944. *The Nature and Origins of Scientism*. Milwaukee: Marquette University Press. pp. 1-2.

5. Sorell, T. (1994). *Scientism: Philosophy and the Infatuation with Science*. Routledge University Press. p. 1.

می‌خواهد فراتر از اسطوره یا یک ابراز وجود بی معنا باشد، باید لباس علم پوشد و با زبان علم سخن بگوید.

۳. در علم زدگی، چاره‌ی همه‌ی مسائل، در علم و فناوری جست‌وجومی شود. این نوع اعتماد و تکیه‌ی بیش از حد به علم، ناشی از این پیش‌فرض است که همه‌ی امور عالم، با تبع علم، قابل جراحی و تحلیل است.

۴. چنان‌که گفته شد در علم زدگی شاهد روبکردی مکانیکی و فروکاهش‌گر به عالم و آدم هستیم و هر آن‌چه که با این روش و روبکرد، سازگار نباشد، غیر علمی و موهم تنقی می‌شود. در روبکرد مکانیکی به طبیعت و انسان، هیچ فاعلیت و خلاقیتی در کار نیست و همه چیز بر اساس قوانین کلی و مکانیسم‌های بیرونی یا درونی تبیین می‌شود.^۱ بنابراین علم زدگی، برخلاف علم، بر پایه‌ی پیش‌فرض‌های نادرستی قرار دارد و با روحیه‌ی گشوده و اهل تحقیق در علم سازگار نیست. در علم زدگی، هر آن‌چه که با پیش‌فرض‌های بالا ناسازگار باشد، طرد و تحریر می‌شود، در حالی که در علم، شاهد جست‌وجوی حقیقت و گشودگی فسخ به حقایق تازه هستیم.

۱.۱ علم زدگی و معنا

علم زدگی، ارتباط مستقیمی با بی‌معنایی دارد. با نگاه علم زده، جایی برای معنا و ارزش در عالم انسانی نمی‌ماند. اما علم زدگی، چگونه به بی‌معنایی می‌انجامد؟ پاسخ را باید در تصویری جست که در جهان‌بینی علم زده دیده می‌شود. برای نمونه، استیوارت کافمن^۲ از زیست‌شناسان برجهسته‌ی معاصر، در وصف چنین تصویری، می‌نویسد:

دیدگاه رایج در زمانه‌ی ما، در اصل، فروکاهش‌گر است: همه‌ی پدیده‌ها درنهایت، بر اساس کنش و واکنش‌های ذرات بنیادین توضیح داده می‌شوند. شاید پرسیمuron لالپلاس^۳، در اوایل سده‌ی نوزدهم، این فروکاهش‌گرایی را به روش‌ترین شکلی بیان کرده است. به تعبیر لالپلاس اگر کسی که هوش کافی دارد، از موقعیت و سرعت همه‌ی ذرات در جهان اطلاع داشته باشد، آینده و گذشته‌ی تمام رخدادهای عالم را محاسبه و پیش‌بینی می‌کند. چنان‌که استفان واینبرگ^۴، برنده‌ی جایزه‌ی نوبل، در عبارت مشهوری می‌گوید:

1. Williams R. N. and Robinson D. N. (eds). (2015). *Scientism: The New Orthodoxy*.

Bloomsbury Publication. pp. 6-7.

2. Stuart Kauffman

3. Pierre-Simon Laplace

4. Stephen Weinberg

«نوك پیکان همه‌ی تبیین‌ها یکسره به شمت پایین می‌روند، از جامعه‌ها به مردم، به موجودات آلتی، به سلول‌ها، به زیست-شیمی، به شیمی و سرانجام به فیزیک».^۱

این دقیقاً همان معنای فروکاهش‌گری^۲ است که جایی برای معنا و ارزش باقی نمی‌گذارد و واینبرگ را به این نتیجه می‌رساند که: «هرچه بیشتر درباره‌ی جهان می‌دانیم، بی‌معنایتر به نظر می‌رسد».^۳ ذرات متحرک لایپلاس فقط گواه اتفاق‌هایی هستند که به طرز منفعلانه رُخ می‌دهند و هیچ معنا، ارزش و فاعلیتی در آن‌ها نیست، در حالی که انتخاب‌های ما انسان‌ها از سوی خودمان به عنوان فاعل‌های انسانی انجام می‌گیرد.^۴

کافمن معتقد است که فروکاهش‌گرایی، دیگر، حتی مورد قبول فیزیک‌دانان بر جسته‌ی امروزی هم نیست.^۵ در واقع، زیست‌شناسی رانمی‌توان به فیزیک فروکاست و اموری مانند حیات و فاعلیت، اموری واقعی هستند که در طبیعت وجود دارند. وقتی فاعلیت در جهان باشد، معنا و ارزش هم می‌آید که آن‌ها را هم باید به رسمیت بشناسیم. اگر حیات، فاعلیت، ارزش و فعل را به فیزیک فرویکاریم، واقعیت آن‌ها را نادیده گرفته‌ایم. نه زیست‌شناسی، قابل فروکاستن به فیزیک است و نه اخلاق و فرهنگ بشری قابل فروکاهش به زیست‌شناسی است؛ گرچه نسبت‌هایی میان همه‌ی این قلمروهای گوناگون هست.^۶

1. Kauffman S. A.(2008). *Reinventing the Sacred: A New View of Science, Reason and Religion*. Basic Books. p. ix. 2. Reductionism

3. Weinberg, S. *The First Three Minutes. A Modern View of the Origins of the Universe*. New York: Basic Books, 1977, p.154. 4. Ibid.x 5. Ibid.

۶. در واقع، باید میان فروکاهش‌علی و فروکاهش وجودی، تمایز قائل شویم. برخی از دانشمندان و فیلسوفان به این تمایز توجه نکرده‌اند و رابطه‌ی علی را در طبیعت، به معنی فروکاهش وجودی پنداشته‌اند. برای توضیح این تمایز، تصویری را که روی پرده‌ی سینما با دستگاه پروژکتور افتداده است، تصور کیم. دستگاه پروژکتور، علت و سرمنشأ آن تصاویر است، اما آن تصاویر را نمی‌توان با دستگاه پروژکتور، از نظر وجودی، یکی و یگانه دانست. به عبارت دیگر، تصاویر روی پرده، از نظر وجودی و هستی شناختی، قابل فروکاستن به دستگاه پروژکتور نیستند، بلکه فقط از نظر علی به دستگاه مزبور مربوط‌اند. تفاوت در این جاست که در مورد فروکاهش وجودی، آن‌چه فروکاسته می‌شود، با امر دیگر که ایجاد شده است، یکی و یگانه دانسته می‌شود؛ اما در فروکاهش علی، آن‌چه فروکاسته می‌شود، با امر دیگری که سرمنشأ آن است، تمایز است، اگرچه، به نحوی، به آن مربوط است. برای مثال، رابطه‌ی ذهن و بدن، نه مانند رابطه‌ی یک پروژکتور با اجزایش (از تاباط وجودی).